

برق شریف؛ بدون فتوشاپ

پای صحبت دانشجویان رشته برق

در این گزارش شاگرد زرنگ‌های مدرسه و دانشگاه حرف‌های تازه‌ای برایتان آماده کرده‌اند؛ حرف‌هایی متفاوت با آنچه تاکنون در کلاس‌های کنکور شنیده‌اید. آنچه در این گزارش می‌خوانید ممکن است کاخ آرزوهایتان را به یک هم کف ۴۰ متری تبدیل کند. اما به نظر من بهتر است برای اندیشیدن جسور باشید و آینده را همانطور که هست ببینید؛ نه آن‌طور که بازاریاب‌ها تبلیغ می‌کنند.

با مصاحبه با بچه زرنگ‌های برق شریف قصد داریم در برابر ایده خط تولید دانشجویی یک شکل، کمی تأمل کنیم. اعتبار فرش‌های دست‌بافت به گره‌های غلطی است که در میان فرش بافته شده‌اند. لازم نیست همه گره‌ها یک شکل و یک اندازه باشند. منتهای آرزوهای بچه‌های ریاضی در این دو صفحه آمده‌است. گزارش این شماره را بخوانید و سعی کنید ماشینی نباشید!



من احتمالاً با همین معلم شدن (کاری که الان دارم) می‌توانم به اندازه کافی تأثیرگذار باشم. درست است حقوق کم است، اما به نظرم کسانی که بعد از دوره کارشناسی سراغ رشته‌های انسانی و مدیریتی رفته‌اند، و کسب‌وکاری متناسب با تحصیلات خودشان را راه‌اندازی کرده‌اند، اوضاعشان بد نیست. ما قرار است به کمک شاگردها و هم‌کلاسی‌های دانشگاه یک شرکت دانش بنیان تأسیس کنیم. امیدوارم موفق بشویم.



من فکر می‌کنم، چون بازار کار وجود ندارد، همه ادامه تحصیل می‌دهیم تا یک استاد دانشگاه تک‌بعدی - و نه پژوهشگر و یا حتی کارآفرین شویم. یعنی در مجموع فعالیت هیچ کدام از دانشجویها کاملاً با صنعت و یا تحصیلاتشان هماهنگ نیست. بعضی از ما در کارخانه همان کاری را انجام می‌دهیم که تکنسین انجام می‌دهد. بعضی‌ها - بچه‌های درس‌خوان‌تر کلاس - به استاد دانشگاه‌هایی تبدیل می‌شویم که قرار است یک سلسله دانشجوی بی‌کار مثل خودمان را باز تولید کنیم!

“

مصطفی خوش‌باش

رتبه ۹۷ کنکور ریاضی فیزیک

فارغ‌التحصیل برق شریف

ساکن گرمسار

مصطفی تصور می‌کند، شاگرد اول‌ها در رشته ریاضی فیزیک - به خاطر شاگرد اول بودنشان - انتخابی به‌جز برق و شریف ندارند و چندان با شناخت و گزینش وارد دانشگاه نمی‌شوند. به نظر او، تنها عامل ورود به «دانشکده برق شریف» این تصور است که حتماً بعد از چهار سال، از این رشته مهندسی موفق و پردرآمد بیرون خواهد آمد. مصطفی می‌گوید: «پیش از انتخاب رشته یک نفر باید این مسائل را برای دانش‌آموزان تشریح کند.

هر سال حدود ۲۵۰ - ۲۰۰ دانش‌آموز فقط در گرایش‌های متفاوت رشته برق جذب دانشگاه‌های تهران، شریف، امیرکبیر، خواجه‌نصیر و آزاد می‌شوند. خروجی‌های همین چند دانشگاه به‌تنهایی برای پاسخ‌گویی کل نیاز جامعه به مهندس کافی نیست؟ ما با وجود صدها دانشگاه فنی دیگر توی ایران، قرار است با این همه مهندس چه کار کنیم؟!»

“

رضا فارسی

رتبه ۶۰ کنکور ریاضی فیزیک

دانشجوی برق شریف

معدل دانشگاه ۱۷/۳۰

رضا هنوز وارد بازار کار نشده است، اما با توجه به تجربیات دوستانش می‌گوید: «نهایتاً ۱۰ درصد از برق شریفی‌ها شریفی بودن به کارشان می‌آید و نیازی نیست همه این‌قدر برای رسیدن به مدرک دانشگاهی دست‌وپا بزنند».

او از قول یکی از استادانش به این نکته اشاره می‌کند که: «مدرک کارشناسی برای ورود به بازار کار ایران مدرک کاملی است و دانش‌آموزان اگر در هر دانشگاه سراسری دیگری هم درس خوانده باشند، می‌توانند با اتکا به توانایی‌های عملی‌شان و با شانس برابر برای ورود به بازار کار اقدام کنند».



علی محمد مهر
رتبه ۱۷ کنکور ریاضی فیزیک
استعداد درخشان رشته برق و کامپیوتر شریف
ساکن زنجان

علی از آن دسته دانشجویانی است که می‌گوید: «ما درس می‌خوانیم، چون همیشه درس خوانده بودیم، و دانشگاه رفتیم تا درس بخوانیم و بالاخره این درس خواندن تمام شود. اما با ورود به خوابگاه متوجه شدیم، مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی و حتی آشپزی بیشتر از درس خواندن به کارمان می‌آید!
من تا قبل از ورود به دانشگاه نصف روز را توی مدرسه می‌گذراندم با غذای آماده و شرایط آرام خانواده. اما بعد از ورود به خوابگاه تمام روز در دانشگاه بودم، بدون وجود آن شرایط آرام سابق!»

درس خواندن در دانشگاه‌هایی مثل «علم و صنعت» و یا «امیرکبیر» و حتی درس خواندن در رشته‌های فنی دیگر که لزوماً برق نیستند، کاربردی‌تر هستند. چرا که لاقلاً در چنین رشته‌ها یا دانشگاه‌هایی، وقت آزاد بیشتری داریم تا توانایی‌ها و مهارت‌های کاربردی خودمان را افزایش دهیم و دیگر نیازی نیست برای یک درس چهار واحدی اختیاری ۱۵ - ۱۰ ساعت توی هفته وقت بذاریم.



«به نظر من همین که توی دانشگاه با چیزی به‌عنوان فشار معلم، نظارت مدرسه، کنترل خانواده و مانند این‌ها مواجه نمی‌شویم، باحال و کافی است!»

علی پیرمیرادی

دانشجوی ترم ۸ برق شریف

مدال طلای المپیادی

دانش‌آموخته دبیرستان علامه حلی

علی معتقد است، بین دانشگاه‌های سراسری تفاوت خاصی وجود ندارد. استاد‌های شریف رابطه نزدیکی با دانشجو برقرار می‌کنند و مثل هر دانشگاه دیگری، فضای دانشگاهی به دانش‌آموزان سابق این استقلال و آزادی عمل را می‌دهد که اگر خواستند، در حد ۲۰ گرفتن یا «پاس شدن خالی» درس بخوانند. او به‌عنوان کسی که در یکی از بهترین مدرسه‌های تهران درس خوانده است، فکر می‌کند تنها تفاوت مدرسه و دانشگاه «تفاوت مواد درسی» آن‌هاست، وگرنه گذراندن درس‌ها با نمره بالا یا پایین، داشتن شغل یا نداشتنش، اجتماعی بودن یا نبودن دانشجو و... همه به انتخاب خود او بستگی دارد.

